



چگونه برای خود فکر کنیم



مابعد از پیاده روی طولانی تازه به قله کوه گونانگ داتوک رسیده بودیم. با دوست جدیدم آدزاک نشستیم تا از منظره لذت ببریم. طولی نکشید که گفتگوی ما به موضوعات مذهبی تغییر یافت. آدزاک گفت که او یک آزاد اندیش است. «من

دیدگاه های خودم را در مورد جهان دارم.» «آه بله،» من پاسخ دادم. «شنیده ام که بسیاری از جوانان مالزیایی خودشان را آزاداندیش تلقی می کنند.» آدزاک خندید. «ما باید برای خودمان فکر کنیم. در غیر این صورت سردرگم شده. و به دیوانگی کشیده می شویم.»

«ولی وقتی به خانه می روی چطور؟» پرسیدم. «اینجا در مالزی بسیاری از جوانان خود را آزاد اندیش می پندارند ولی در خانه مجبورید تا در مناسک مذهبی اسلامی یا بودایی شرکت کنید. به والدین خود چه می گویی؟»

آدزاک پاسخ داد: «من به آنها نمی گویم.» «من فقط با آنچه آنها می خواهند همراهی می کنم. من می توانم آزادانه فکر کنم، اما باید آن را برای خودم نگه دارم.»

آیا آزاد اندیشی مهم است؟

در برخی از مناطق دنیا داشتن عقیده غلط باعث می شود تا از جامعه خودتان طرد شوید، از کارتان اخراج شوید و یا حتی کشته شوید. فکر

کردن برای خود می تواند خطرناک باشد. اما آیا مهم است؟

دنای ما مملو از ایده های خوب و بد است. شیوه ای مهم برای جدا کردن خوب از بد، اندیشیدن و گفتگو در خصوص آن ایده است. اگر کالایی گران قیمت—مانند طلا، زعفران، یا یک آیفون بخرید—همین طوری نمی خرید و به خانه نمی آورید. شما آن را مورد بررسی قرار داده و با محصولات رقابتی دیگر مقایسه می کنید تا اطمینان حاصل کنید که بهترین کیفیت را بدست آورده اید و می خرید. ایده ها و افکاری را که دارید نیز باید به همین شیوه بررسی شود.

سردرگمی بسیاری در جهان وجود دارد و بدتر هم می شود زمانی که مردم می کوشند تا ایده های مغشوش خود را به جامعه تحمیل کنند. بیایید تا درباره نبوتی مهم به شما بگویم. در کتابی بسیار قدیمی به نام «مکاشفه عیسی مسیح»، پیشگویی از افرادی می گوید که سعی می کنند دیدگاه های مغشوش مذهبی خود را به دیگران تحمیل کنند. آنگاه فرشته دیگر، یعنی فرشته دوم ظاهر گشت و فریاد برآورد: «بابل بزرگ آن زنی که تمام ملت ها را مجبور کرده است از شراب شهوت و زناکاری او بنوشند نابود شد» (مکاشفه ۸: ۱۴).

مفهوم این کلمات نمادین دشوار نیست برای فهمیدن. بابل یک شهر باستانی معروف بود، اما

او از ما می خواهد تا تحقیق کنیم زیرا
حقیقت آنقدر قدرتمند هست تا تاب
تفحص و بررسی را داشته باشد.

نام آن به معنای «گیج» است. این شهر سقوط کرد
نه بخاطر این که دچار سر در گمی بود بلکه بخاطر
اینکه نمی خواست تا از سر در گمی خود دست
بردارد. او قوم ها را اغوا می کرد تا به زنای روحانی
او ملحق شوند—که خیانت به خدا با ترکیبی از ایده
های پرستشهای درست و غلط بود. این ایده های
نادرست برای همه عادی می شود و مورد قبول مردم
هم قرار می گیرد. این نبوت درباره «بابل» به یک
نهاد روحانی جهان اشاره می کند که نه تنها خطای
روحانی را عادی جلوه می دهد بلکه سرانجام تلاش
می کند تا آن را به مردمی که به حقیقت ملحق شده
اند تحمیل کند.

مکاشفه عیسی مسیح پیش بینی کرد که این رویداد
در روزهای ما رخ خواهد داد. شاید هم تا کنون این
اتفاق را دیده باشید. آیا افرادی هستند که با ایده
های غلط از خدا نماینده گی می کند؟ آیا وجدانتان
ناراحت شده است؟

بله، به همین خاطر است که آزاد اندیشی مهم
است

چگونه برای خود فکر کنیم

اکثر مردم با خوشایندی از مذهب جامعه خود پیروی می کنند. آنها به باورهای خود فکر نمی کنند. آنان سنتهای مذهبی را متابعت می کنند که بی معنی است یا بیش از اینکه خیر برساند مایه شر است. برخی مواقع رهبرانی دینی که قرار است راه رسیدن به خدا را به ما نشان دهد، خودشان به گناه اغوشته هست.

چطور می توانیم حقیقت را بیابیم؟ توصیه من اینست که به انبیا اعتماد کنیم. چرا؟ به سه دلیل زیر:

۱. انبیا دانشی شگفت انگیزی در مورد آینده به ما نشان دادند. دانیال نبی ظهور اروپا را پیشگویی کرده بود که در همان موضع تاریخی خود جهان را مستعمره خود می سازد. عیسی ویرانی اورشلیم را در سال ۷۰ بعد از میلاد پیشگویی کرده بود. موسی تاریخ اسماعیل را تا آخر زمان پیشگویی کرده بود.
۲. انبیا دانش علمی شگفت انگیزی از سلامت نشان می دهند. موسی که ۳۵۰۰ سال پیش می زیست، قرنطینه، دفع بهداشتی فاضلاب، و اصول گند زدایی را آموزش داده بود. او حیوانات را به دو گروه حلال (پاک) و حرام (ناپاک) تقسیم کرده بود. و به ما گفته بود تا

از خون یا چربی حیوانات حلال نخوریم. و امروزه کسانی که از این رژیم غذایی و احکام بهداشتی پیروی می کنند ۱۵ سال بیشتر از دیگران که رعایت نمی کنند عمر می کنند. ۳. خداوند دعای مومنان را که به او و انبیای او اعتقاد دارند را اجابت می کند.

نوشته‌های انبیا سرشار از راهنمایی است - اما برای بهره‌مندی از آنها، باید بیاموزیم که نقادانه فکر کنیم، باورهای خود را بیازماییم، و شواهد ایمان خود را بررسی کنیم. تفکر و تعمق بخش مهمی از یک مذهب راستین است.

حال چه اتفاقی می افتد زمانی که خطایی را تفحص می کنیم؟ در ابتدا ممکن است درست بنظر برسد. ولی در حین که شواهد آن ایده را بررسی می کنیم، مشکلاتی از آن ایده پیدا می کنیم.

بلکه حقیقت درست برعکس این است. هرگز چیزی از آن ایده کاسته نمی شود وقتی به دقت بررسی شود. هر چه بیشتر تحقیق و تفحص کنیم، حقیقت بیشتری را می‌یابیم.

مومنان بایستی داناترین مردم در دنیا باشند زیرا خدا ما را در مسیر حکمت و دانایی هدایت می کند. اگر خودتان را در موقعیتی بینید که مجاز نیستید تا آزادانه بیندیشید یا سوال کنید، آنگاه آن موقعیت از

سوی خدا نیست. او از ما می خواهد تا تحقیق کنیم زیرا حقیقت آنقدر قدرتمند هست تا تاب تفحص و بررسی را داشته باشد. ولی بابل، شما را به کذب و انحراف سوق می دهد و درهای تلاش هوشمندانه و متفکرانه را بروی شما می بندد.

اگر آنقدر گیج و سردرگم شده اید که احساس می کنید در بابل هستید، بیرون بیایید! در مسیر حکمت خدا گام بردارید. به خودتان بیندیشید و سوالات سختی را پرسید. شما نا امید نخواهید شد. آیا دوست دارید تا بیشتر درباره مکاشفه عیسی مسیح بدانید؟ لطفاً از طریق اطلاعات پشت این مقاله با ما تماس بگیرید.

Copyright © 2023 by Sharing Hope Publications.

مطالب را می توان برای اهداف غیر تجاری بدون اجازه چاپ و به انتشار گذاشت. برگرفته از نسخه قدیمی کتاب مقدس فارسی ۱۸۹۵ با اجازه استفاده می شود. تمامی حقوق محفوظ است.

مطالعه بیشتر



کد QR را اسکن
کنید تا بیشتر بدانید

